

فصل پنجم

طراحی برنامه درسی

عناصر برنامه درسی:

برنامه ریزان قبل از اینکه به شیوه‌های اجرایی و عملی بپردازند باید در مورد عناصر برنامه ریزی تصمیم‌گیری کنند. در حوزه طراحی برنامه، عناصر تشکیل دهنده یک برنامه درسی مطرح می‌گردد و در حوزه برنامه ریزی درسی چگونگی کاربرد و اجرای این عناصر بیان می‌شود. درباره عناصر یا اجزای برنامه درسی به هیچ روی میان صاحب نظران برنامه ریزی اتفاق نظر و اجماع وجود ندارد و دامنه وسیعی را از یک تانه عنصر در بر می‌گیرد. برخی تصمیم‌گیری‌ها درباره یک عنصر، نتایج یادگیری و برخی دیگر محتوا را حوزه کار برنامه ریزان درسی قلمداد کرده‌اند.

در خصوص این که عناصر برنامه کدامند تا بر مبنای آن بتوان تعادل میان عناصر و تناسب آن‌ها را با انتظارات و آنچه که مطلوب است، مشخص کرد، دیدگاه‌های متفاوتی عرضه شده است.

عناصر برنامه درسی

مجموعه فعالیت‌هایی که در برنامه ریزی درسی صورت می‌پذیرد شامل طراحی برنامه درسی و توسعه برنامه درسی است. در طراحی بایستی جهت‌گیری‌های برنامه درسی مشخص باشد. در برنامه درسی عموماً چند نوع جهت‌گیری وجود دارد.

۱- موضوع محور بودن برنامه درسی: در برنامه درسی موضوع محور، یادگیری مکانیکی است. هدف‌ها و مراحل مختلف یادگیری از قبل تعیین می‌شوند و برنامه درسی از پیش تعیین و سازماندهی می‌گردد. روش خطی است و بر حجم مطالب و محتوا تأکید بیشتری می‌شود تا بر فرایند یادگیری.

۲- فراگیر محور بودن برنامه درسی: در این برنامه ویژگی‌ها و نیازهای یادگیرنده مورد توجه قرار می‌گیرد و آموزش بنا به ویژگی یادگیرنده، انفرادی تر می‌شود.

۳- جامعه محور بودن برنامه درسی: در این برنامه اصلاح و توسعه جامعه هدف اساسی است. محتوای برنامه درسی از زندگی اجتماعی گرفته می‌شود، در فرایند یادگیری روش حل مسأله موردنظر است.

یک برنامه درسی از عناصر متفاوتی تشکیل می‌شود که نوع جهت‌گیری‌های برنامه درسی، تعیین‌کننده چگونگی اجرای عناصر برنامه درسی است. آیزنر (۱۹۸۵) عناصر برنامه درسی را شامل هدف، محتوا، انواع فرصت‌های یادگیری، سازمان‌دهی محتوا، روش ارائه و پاسخ و ارزشیابی می‌داند (قورچیان، ۱۳۷۴).

اش^۱ (۱۹۹۱) برنامه‌ریزی درسی را به پنج بعد یا جزء اصلی تقسیم می‌کند:

- ۱- چارچوبی از مقدمات و مفروضات دربارهٔ فراگیرنده درس و جامعه؛
- ۲- اهداف عمومی و اختصاصی؛
- ۳- محتوا یا ماهیت موضوع، همراه با انتخاب قلمرو و نتیجه حاصل از آن؛
- ۴- الگوهای انتقال از جمله روش‌ها و محیط‌های یادگیری؛
- ۵- ارزشیابی

دکر واکر تعریفی از برنامه درسی ارائه می‌دهد که در آن، عملاً تنها به هدف‌ها، محتوا و سازمان‌دهی محتوای یادگیری اشاره شده است. به همین ترتیب، دیدگاه‌های متقدمان، به ویژه تایلر چهار عنصر هدف، محتوا، روش و ارزشیابی را پیشنهاد می‌کند. هیلدا تابا اندیشمند دیگر حوزه برنامه آموزشی، عناصر چهارگانه تایلر را به هفت عنصر نیازها، هدف‌ها، محتوا، سازمان‌دهی محتوا، تجربیات یادگیری، سازماندهی تجربیات یادگیری و ارزشیابی گسترش داد. (فتحی و اجارگاه، شفيعی، ۱۳۸۶).

فیرسین با تأسی از رویکرد عملی و نیز شرح و بسط الگوی تابا، عناصر برنامه آموزشی را در قالب یک فرایند ۱۱ مرحله‌ای به عنوان شناسایی مسئله، تشخیص مسئله، جست و جوی راه‌حل‌های گوناگون، انتخاب بهترین راه‌حل، تصویب راه‌حل، هدایت و راهنمایی کارکنان و ارزشیابی اثربخشی برنامه آموزشی معرفی

کرده است.

زایس (۱۹۷۶) هدف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری و روش‌های ارزشیابی را اجزای برنامه درسی می‌داند.

بوشامپ (۱۹۸۲) عناصر برنامه درسی را متشکل از بیان هدف و مقصود، محتوا، کاربرد و ارزشیابی برمی‌شمرد (قورچیان، ۱۳۷۴).

استارک و لاتوکا (۱۹۹۷) عناصر برنامه درسی را متشکل از: هدف^۱، محتوا^۲، توالی^۳، یادگیرندگان^۴، فرایندهای آموزشی^۵، منابع آموزشی^۶، ارزشیابی^۷، سازگار^۸ می‌دانند.

بوشامپ نظریه پرداز مشهور دیگری که در تعیین عناصر نظری فرایند برنامه ریزی درسی به میدان^۹ طراحی برنامه اشاره می‌کند که با تعبیر شورت تحت عنوان خاستگاه برنامه ریزی درسی یا بحث تمرکزگرایی همخوانی دارد.

کلاین^{۱۰} (۱۹۹۱) عناصر تشکیل دهنده برنامه درسی را شامل اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری، مواد و منابع، فعالیت‌های یادگیری فراگیران، روش‌های ارزشیابی، گروه‌بندی فراگیران، زمان و فضا می‌داند (مهر محمدی، ۱۳۸۱).

برنامه ریزان در حقیقت با اندیشیدن تدابیری برای این عناصر، اقدام به طراحی برنامه‌های درسی در زمینه‌های گوناگون می‌نمایند. این عناصر ابعاد یک برنامه درسی و یا ابزارهای ذهنی کسانی به شمار می‌آیند که با امر برنامه ریزی درسی سروکار دارند. طرح برنامه درسی متغیری است که تابع نوع تصمیمات اتخاذ شده و چگونگی برخورد با هر یک از این عوامل نه گانه می‌باشد. با این عناصر می‌توان برخوردی بسیار جهت دهنده و یا توأم با انعطاف کرد (کلاین، ۱۳۶۹، ص ۲۵).

شرح مختصر عناصر نه گانه کلاین به شرح زیر است:

- | | |
|--------------------------|----------------------------|
| 1. Purpose | 2. Content |
| 3. Sequence | 4. Learners |
| 5. Instruction Processes | 6. Instructional Resources |
| 7. Evaluation | 8. Adjustment |
| 9. Arena | 10. Klein |

اهداف

یک برنامه درسی به قصد ایجاد تغییرات در رفتار یادگیرنده اجرا می‌شود. این تغییرات همان اهداف برنامه است. تعیین هدف‌های آموزشی نخستین عنصر برنامه درسی است.

محتوا

نخستین گام در تحقق اهداف، انتخاب محتوای آموزشی مناسب و مطلوب است. محتوا، ماده برنامه درسی است. آن چه که باید آموخته شود؛ شامل حقایق، مفاهیم، اصول و نظریه‌ها و تعمیم می‌باشد. محتوا همچنین به فرایندهای شناختی اشاره دارد که یادگیرندگان در موقع تفکر درباره محتوا مورد استفاده قرار می‌دهند.

راهبردهای یاددهی - یادگیری

عنصر دیگر، راهبردهای یاددهی - یادگیری است که قبل از انتخاب مواد آموزشی باید به آن توجه شود. انتخاب راهبردهای مناسب در فرایند یاددهی - یادگیری، تسهیل‌کننده انتقال دانش و اطلاعات و فرایندهای یادگیری فراگیران خواهد بود. راهبردهای یادگیری به شیوه‌های کسب محتوا اشاره دارد. دیدگاه‌های متفاوتی در زمینه راهبردهای یاددهی - یادگیری وجود دارد، آن چه مسلم است، این است که راهبردها بایستی یادگیری فعال فراگیر را تسهیل نماید.

منابع آموزشی

اساساً یک «منبع» در تعلیم و تربیت عنصری از یک سیستم تلقی می‌شود. منبع یعنی مجموعه‌ای از مواد یا موقعیت‌ها که عمدتاً به منظور قادر ساختن فرد فراگیر به یادگیری، تولید یا ایجاد می‌شود.

فعالیت‌های یادگیری فراگیران

فعالیت‌های یادگیری اشاره به درگیری فراگیران در امر یادگیری دارد. فعالیت‌های یادگیری فراگیر منجر به کسب تجربیات یادگیری خواهد شد. هر چقدر سطح

درگیری و یا فعالیت‌های یادگیری بیشتر باشد به همان نسبت تجربیات یادگیری فراگیر عمیق‌تر خواهد بود.

زمان

آن چه زمان به آن اشاره دارد این است که محتوای انتخاب شده به همراه استفاده از شیوه‌ها و مواد در جهت دستیابی به اهداف برنامه در یک چارچوب زمانی ارائه می‌گردد. برنامه از لحاظ زمانی، بایستی به گونه‌ای ارائه گردد که به طور مؤثر شناخت و یادگیری مطلوب را در فراگیر ایجاد نماید؛ چرا که هر محتوایی را نمی‌توان در هر قالب زمانی یاد داد. لذا ضروری است تا با توجه به نوع محتوا و اهدافی که از طریق محتوا برآورده می‌شود، زمان لازم برای فعالیت یادگیری لحاظ گردد.

فضای آموزشی

فضا و محیط آموزشی عنصری است که کلیه فرایندهای یاددهی - یادگیری در درون آن انجام می‌پذیرد. فضا، فرایند تدریس و یادگیری را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و در صورت نامطلوب بودن، برنامه درسی را به طور جدی دچار مشکل می‌سازد. در این خصوص می‌توان به محیط فیزیکی مناسب، تعداد ساختمان‌های آموزشی، تعداد کلاس‌های درس، آزمایشگاه، محیط کتابخانه و کارگاه‌ها اشاره نمود که وسعت و کیفیت آن‌ها تأثیر مهمی بر عملکرد نظام آموزشی می‌گذارد.

گروه‌بندی فراگیران

گروه‌بندی اشاره به گروه‌های داخل کلاس دارد. گروه‌بندی‌ها برحسب راهبردهای تدریس و یادگیری متفاوت است و تحت تأثیر محتوای درسی قرار می‌گیرد.

روش‌های ارزیابی

آخرین عنصر برنامه درسی، ارزیابی است. فرایند برنامه درسی با ارزیابی شروع و با آن پایان می‌یابد. چرا که نیازسنجی در آغاز فرایند برنامه، خود نوعی ارزیابی است

و پس از اجرای برنامه جهت حصول اطمینان از دستیابی به اهداف تنظیمی به ارزیابی پرداخته می‌شود. ارزیابی برنامه درسی فرایندی است که برای داوری در خصوص تناسب تصمیمات برنامه درسی به کار می‌رود.

«اکر»^۱ براساس الگوی فرانسیس کلاین، عناصر برنامه‌ی درسی را در ۱۰ عنصر مورد توجه قرار داده است که به غیر از عنصر «منطق یا چرایی»^۲ برنامه‌ی درسی، سایر عناصر با الگوی کلاین مشترک هستند. او ضمن مشخص ساختن این عناصر، سؤالاتی مطرح می‌کند که روشن‌کننده وضعیت این عناصر در فرآیند بررسی کیفیت برنامه‌ی درسی است. جدول ۱-۵ این مهم را نشان می‌دهد:

جدول ۱-۵: عناصر برنامه‌ی درسی از دیدگاه اکر

(به نقل از ۲۰۰۳، AKKER)

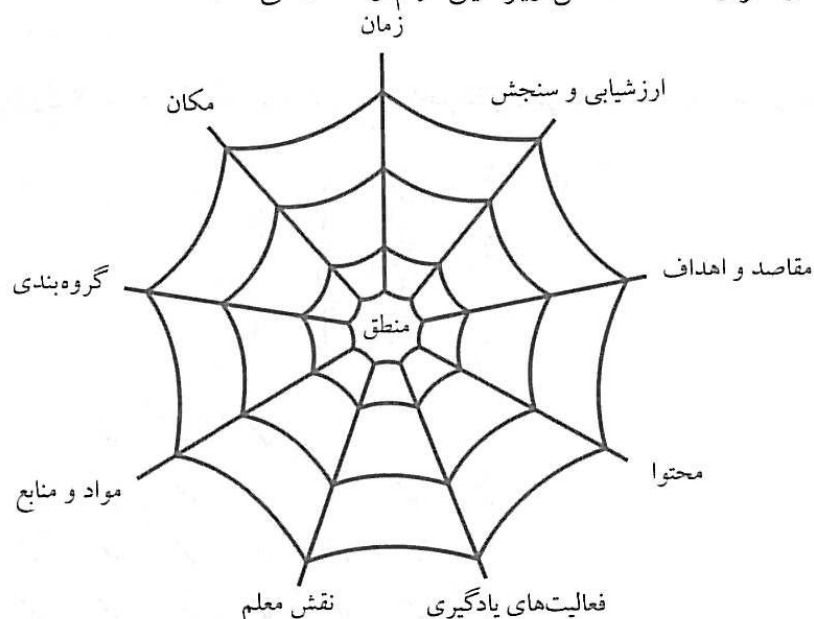
عناصر برنامه‌ی درسی	پرسش‌های جهت‌دهنده
منطق	چرا فراگیرندگان باید یاد بگیرند؟
مقاصد و اهداف	یادگیرندگان در جهت تحقق چه اهداف به یادگیری می‌پردازند؟
محتوا	یادگیرندگان چه چیز می‌آموزند؟
فعالیت‌های یادگیری	یادگیرندگان چگونه می‌آموزند؟
نقش معلم	معلم چگونه فرآیند تدریس و یادگیری را تسهیل می‌کند؟
مواد و منابع	یادگیرندگان با کمک چه چیزی به یادگیری می‌پردازند؟
گروه‌بندی	با چه کسانی به یادگیری می‌پردازند؟
مکان	کجا به یادگیری می‌پردازند؟
زمان	کی و چه زمانی یاد می‌گیرند؟
سنجش و ارزشیابی	چقدر در یادگیری پیشرفت داشته‌اند؟

با عنایت به نقش محوری منطق یا چرایی برنامه‌ی درسی، که نقش اصل کلی یا مأموریت اصلی برنامه‌ی درسی را ایفا می‌کند و در حکم مؤلفه‌ای جهت‌دهنده در فرایند تصمیم‌سازی برنامه‌ی درسی عمل می‌کند، می‌توان وضعیت آرایش عناصر برنامه‌ی درسی را به صورت ویژه‌ای نشان داد که در آن، همه‌ی عناصر و مؤلفه‌ها

1. Akker

2. curriculum rationale

حول محور منطق اصلی برنامه‌ی درسی به یکدیگر متصل و مربوط هستند. این آرایش یا چینش عناصر برنامه‌ی درسی را به عنوان «تار عنکبوت برنامه‌های درسی»^۱ مورد اشاره قرار داده‌اند. شکل زیر، این مهم را نشان می‌دهد:



شکل ۱-۵: تار عنکبوت عناصر برنامه‌ی درسی

(Akker, ۲۰۰۳.P۶)

در شناسایی کیفیت عناصر برنامه‌ی درسی، استفاده از الگوی تار عنکبوت دارای محاسن متعددی است:

- این الگو، ارتباطات موجود بین عناصر متفاوت برنامه‌ی درسی را به تصویر می‌کشد؛
- نقش محوری منطق و چرایی برنامه‌ی درسی را در الگوی کیفیت روشن می‌کند؛
- نشان می‌دهد که کیفیت پایین هر یک از عناصر، کل و موجودیت برنامه‌ی درسی را مورد تردید قرار می‌دهد. از این رو ضروری است برنامه درسی به صورت کاملاً متعادل، مناسب و منسجم طراحی گردد.

بر اساس آنچه که در مورد مراحل و عناصر برنامه درسی بیان شد می‌توان استنباط کرد که میان صاحب‌نظران برنامه درسی درباره مراحل و عناصر برنامه درسی اتفاق

نظر و اجماع وجود ندارد. دامنه این اختلافات از یک جزء تا ده جزء برنامه درسی را دربرمی‌گیرد. (مهرمحمدی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۸). با اینهمه رایج‌ترین دیدگاه در این زمینه معرفی ۴ جزء شامل هدفها، محتوا، روش و ارزشیابی است (گودلد^۱، ۱۹۸۵، ص ۱۱۴۲-۱۱۴۳).

جدول ۲-۵: جدول نظرات چند تن از صاحب‌نظران در مورد عناصر برنامه درسی

عناصر صاحب‌نظر	نیازها	اهداف	محتوا	سازماندهی محتوا	فعالیت‌های یادگیری	روش‌های تدریس	مواد و منابع یادگیری	زمان	فضا	گروه‌بندی	ارزشیابی	منطق
واکر		✓	✓	✓								
تایلر		✓	✓			✓	✓					
اش	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓					
تابا	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓					
آیزنر		✓	✓	✓	✓	✓	✓					
کلاین		✓	✓		✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
اکر		✓	✓		✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓

با توجه به توضیحات فوق این مسئله مشهود است که هر یک از صاحب‌نظران نظرات متفاوتی در مورد تعداد عناصر برنامه درسی دارند. در عین حال می‌توان اذعان داشت که کامل‌ترین و در عین حال کاربردی‌ترین برداشت از عناصر برنامه درسی که می‌تواند به عنوان الگوی زیر بنا در برنامه‌ریزی درسی مورد استفاده قرار گیرد، الگوی تار عنکبوتی اکر است.

1. Goodlad